

## ۸- کار مسیح در جهان چه بود؟

بطوریکه ملاحظه کردیم، عیسی مسیح به جهان آمد تا خدا را به انسان ظاهر سازد و انسان را به خدا نزدیک کند و ملکوت خدا را بر زمین پایه‌گذاری نماید. در فصل دوم توضیح دادم که چگونه انسان بر ضد خدا عصیان کرد و نه تنها بوسیله دیوار گناه از خدای مقدس جدا شد بلکه چنان ناتوان گردید که دیگر نمی‌توانست خودش به تنهایی خدا را اطاعت نماید و نزدیک او زندگی کند. بنابراین خدا تصمیم گرفت دیوار گناه را از بین برده و قلب شرارت‌آمیز بشر را تغییر دهد تا اینکه انسان هم تمایل داشته باشد و هم قدرت پیدا کند که خدا را محبت و اطاعت نماید. خدا این عمل را چگونه انجام داد؟ اکنون سعی می‌کنم یکی از مهمترین عقاید اصولی مسیحیت را توضیح دهم.

چنانکه قبلاً بیان کردم، خدای مقدس به آدم و حوا فرمود که اگر نافرمانی کنند خواهند مرد. والدین اولیه ما فرمان خدا را در مورد خودداری از خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد اطاعت نکردند و خدا آنان را به مرگ محکوم نمود. ولی ضمن اینکه آنها را تنبیه نمود، به آنان وعده‌ای نیز داد تا آنان و فرزندان‌شان بکلی نومی‌نباشند. شیطان به شکل ماری ظاهر شد و آنها را فریب داده بود و بهمین دلیل خدا به آنان اعلام داشت که شخصی از نسل آنان که از «ذریه زن» می‌باشد در آینده سر مار را خواهد کوبید و مار هم پاشنه او را خواهد کوبید (پیدایش ۳: ۱۵) مقصود خدا این بود که نجات‌دهنده‌ای که از ذریه زن متولد می‌شود ظاهر خواهد شد و شیطان را مغلوب خواهد کرد ولی در ضمن انجام این کار، خودش توسط شیطان زخمی خواهد شد. این اولین وعده در مورد آمدن عیسی مسیح پسر مریم بود که بوسیله جان دادن بر روی صلیب بخاطر گناهکاران و بوسیله قیام خود از مردگان، شیطان را شکست داد.

مدتها بعد از این وعده، خدا وعده‌ای واضحتر و کاملتر بوسیله اشعیاء نبی اعلام داشت. اشعیاء در کتاب خود، که صدها سال قبل از تولد مسیح نوشته شد، در مورد آمدن شخصی پیشگوئی می‌کند که بجای گناهکاران متحمل رنج و عذاب و مرگ خواهد شد تا آنها بخشیده شوند و حیات یابند. اشعیاء انجام این واقعه را چنین پیشگویی می‌کند: «او بسبب تقصیرهای ما مجروح و بسبب گناهان ما کوفته... بسبب زخمهای او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم... خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد. زیرا او گناهان ایشان را بر خویشتن حمل خواهد نمود» (اشعیاء فصل ۵۳). خلاصه، این نجات‌دهنده‌ای که خدا وعده داد، بعنوان قربانی برای گناهان بنی‌نوع بشر جان خود را فدا خواهد کرد.

بطوریکه فوقاً توضیح دادم این درست همان کاری بود که عیسی مسیح انجام داد. یحیی تعمیددهنده گفت که عیسی بره خدا است که گناه جهان را برمی‌دارد (یوحنا ۱ : ۲۹). خود عیسی نیز، قبل از مرگش، فرمود که خون او

برای آمرزش گناهان عده زیادی ریخته خواهد شد (متی ۲۶: ۲۸). سپس خودش را داوطلبانه تسلیم کرد تا قربانی شود. او با بخشیدن جان خود برای نجات گناهکاران، محبت خدا را نسبت به انسان ظاهر ساخت و همچنین محبت الهی خودش را نشان داد. به قول پولس رسول: «هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد» (رومیان ۵: ۸). عیسی فرمود: «خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا ۳: ۱۶).

نظر باینکه خدا عادل است، گناهکاران را نخواهد بخشید مگر اینکه تاوان گناهان آنان پرداخته شود، هیچکس، حتی اگر پیغمبر هم باشد، باندازه‌ای خوب و کامل نیست که بتواند برای گناه تمام مردم و یا حتی برای گناه خودش قربانی شود. پس خدا بر اثر رحمت و محبت عظیم خویش در مسیح ظاهر شد تا گناهان ما را بر خود بگیرد. بوسیله مرگ پسرش، که با او برابر است، خدا کیفر گناهان تمام کسانی را که به عیسی ایمان می‌آورند پرداخته است. پسر خدا بقدری عالی مرتبه است که فقط یکبار قربانی شدن او برای کفاره گناهان جهان کافی می‌باشد. بهمین دلیل قربانی دیگری مورد نیاز گناهکاران نیست. بنابراین عیسی مسیح بوسیله مرگ داوطلبانه خویش بر روی صلیب، دیوار جدایی بین انسان و خدا را از بین برد و برای گناهکاران این امکان را بوجود آورد که بخشیده شده و به خدای مقدس نزدیک شوند. عیسی نه فقط بهتر از هر شخص دیگری خدا را معرفی کرد، بلکه بوسیله زندگی مقدس خویش و محبت عمیق خود در مرگ برای ما گناهکاران، اراده و نیت خدا را برای ما آشکار ساخت. شخص مؤمنی در کشور ایران روزی به من گفت: «قبیل از اینکه مسیحی شوم، فکر می‌کردم خدا را می‌شناسم، ولی در واقع او را نمی‌شناختم. تنها هنگامی توانستم خدا را واقعاً بشناسم که او را در عیسی مسیح دیدم.» هر جوینده خدا، خدا را در مسیح خواهد یافت. قبل از اینکه این قسمت را که درباره عیسی مسیح است خاتمه دهم، مایلم برخی از اسامی و عناوین او را ذکر نمایم:

۱- اسم او عیسی است که از يك کلمه عبری بمعنی «یهوه نجات است» مشتق می‌باشد.

۲- عنوان اصلی او «مسیح» بمعنی «مسح شده» می‌باشد. او بوسیله خدا مسح شد تا پادشاه ابدی باشد. این همان عنوان عبری «ماشیح» می‌باشد که بوسیله یهودیان برای پادشاهی که ظهورش توسط پیامبران پیشگویی شده بود استعمال می‌شد.

۳- او «عمانوئیل» است که بمعنی «خدا با ما» می‌باشد.

۴- او «پسر خدا» است.

۵- او «کلمه خدا» است.

۶- او «پسر انسان» است. این همان عنوانی است که عیسی غالباً در موقع اشاره به خود بکار می‌برد. او هم

خداست و هم انسان.

۷- او «بره خدا» است.

- ۸- او «نجات‌دهنده جهان» است.
- ۹- او «پادشاه پادشاهان» است.
- ۱۰- او «خداوند» است.
- ۱۱- او «شبان نیکو» است.
- ۱۲- او «راه» است.
- ۱۳- او «حقیقت» است.
- ۱۴- او «حیات» است.
- ۱۵- او «نان حیات» است.
- ۱۶- او «تأک حقیقی» است.
- ۱۷- او «انسان کامل» است.
- ۱۸- او «داور» است.
- ۱۹- او «کاهن اعظم» است.
- ۲۰- او «قیامت» است.
- ۲۱- او «خداوند جلال» است.